

ایران - انگلیس

ضمیمه عهدنامه تهران یا «احتجاج نامه»

دوازدهم ذی حجه ۱۲۲۹ ق. / بیست و پنجم نوامبر ۱۸۱۴ م.

درآمد:

عهدنامه تهران، ضمیمه یا صورت مجلسی هم داشته که در آن زمان به آن احتجاج نامه گفته اند و بطوری که از فحوای آن معلوم می شود همین ضمیمه یا احتجاج نامه در همان روز امضای عهدنامه تهران، نوشته شده است.

از این احتجاج نامه پیداست که در تعبیر و تفسیر فصل چهارم عهدنامه تهران (۱۲۲۹ ق. / ۱۸۱۴) که تکرار فصل دوم عهدنامه مفصل (۱۲۲۷ ق. / ۱۸۱۲ م.) نیز هست در میان ایران و انگلیس اختلاف بوده و چنانکه از اسناد موجود برمی آید این اختلاف تا سالیان دراز و حتی تا پایان سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۵۰ ق. / ۱۸۳۴ م.) باقی بوده و دربار ایران موقتاً در جهت حل این مسأله اقدام کرده و هرگز موفق به اخذ نتیجه مساعد و مناسب نشده است.

در این عهدنامه، پی در پی قید کرده اند که هرگاه در میان ایران و یکی از دول اروپا جنگی در بگیرد، دولت انگلیس موظف است که مرتباً سالی مبلغ دو بیست هزار تومان برای هزینه جنگ به ایران بدهد، ولی معلوم نیست تا پایان جنگ اول ایران با روسها که منجر به امضاء عهدنامه گلستان (شوال ۱۲۲۸ ق. / اکتبر ۱۸۱۳ م.) است این مبلغ پرداخت شده یا نه؟

بطوری که از قراین پیداست در فاصله بین انعقاد عهدنامه مفصل (صفر ۱۲۲۷ م. / مارس ۱۸۱۲ م.) که وعده پرداخت مبلغ دو بیست هزار تومان به ایران از طرف انگلیس داده شده تا تاریخ انعقاد عهدنامه گلستان که درست یک سال و هشت ماه است، دولت انگلیس فقط و فقط به اعزام چند صاحب منصب لشکری به ایران تناهت کرده و چنان که می دانیم در آخرین روزهای جنگ اول ایران و روس، سرگوراوزلی وزیر مختار دولت انگلیس به خاطر حمایت از سیاست در انهدام ایران، آن صاحب منصبان را از سپاه ایران بیرون کشیده و جنگ اصلاندوز و متعاقب آن انعقاد عهدنامه

گلستان را بر عباس میرزا و در نتیجه به ایران تحمیل کرده است.^۱

جنگ اول که به پایان رسید، انگلیس باز هم انتظار جنگ دوم را داشته و ایران را به این کار تشویق می‌کرده، چراکه درست یک سال و سیزده روز پس از پایان جنگ اول، عهدنامه تهران (ذیحجه ۱۲۲۹ ق. / ۱۸۱۴ م.) را با ایران منعقد و امضا کرده است و بطوری که از فصل چهارم همین عهدنامه برمی‌آید بار دیگر اشاره به جنگ ایران با یکی از دول اروپا رفته و انگلیس تعهد کمک نظامی و پرداخت دویست هزار تومان در سال را داده است، ولی این بار هم به لطایف الحیل شانه از زیر تمهذات خالی کرده، در موقع انعقاد عهدنامه ترکمانچای بین ایران و روس (۱۲۴۳ ق. / ۱۸۲۸ م.) در مقابل پرداخت دویست هزار تومان جهت پرداخت غرامت ایران به دولت روس، این فصل و فصل سوم عهدنامه را لغو کرده است.^۲

در هرحال، هنوز مرگب امضاء عهدنامه تهران خشک نشده بود که اختلاف بین ایران و انگلیس بر سر برخی مسایل بروز می‌کند. دولت ایران این مشکلات را به صورت سه حجت تقدیم هنری الیس و جیمز موریه می‌نماید. پاسخ صریح به حجت اول ایران مبنی بر اختلاف بر سر کمک مالی، این است که اگر احیاناً صلح نهایی میان ایران و روسیه به وقوع نپیوندد و باز دولت ایران بدون بستن پیمان مفصل ۲ با روسیه جنگ کند، بطوری که در پیمان نوامبر ۱۸۱۴ م. آمده است، فرستاده دولت انگلستان مبلغ دویست هزار تومان امدادی را همچنان خواهد پرداخت.^۳

موضوع غم‌انگیز پس گرفتن ولایات از دست رفته ایران در جگهای ایران و روس که با پا درمیانی و دسایس سرگوراوزلی در اختیار دولت تزار قرار گرفت تقریباً در تمام نامه‌هایی که شاه و ولیعهد و صدراعظم ایران خطاب به عازکونیس ولزی، وزیر خارجه انگلیس، یا ولیعهد و پادشاه انگلیس نوشته‌اند کاملاً مطرح شده است. غرض از توشل به دولت انگلیس آن بوده است که وزیران پادشاه انگلستان، جرج سوم، به استناد تعهد کتبی سرگوراوزلی نزد تزار روس شفاعت کنند و سرزمین‌های از دست رفته شمال ایران به ایرانیان پس داده شود. قسمتی از نامه فتحعلی شاه خطاب به نایب السلطنه انگلیس حاکی از این امر است: «... این دوستی و محبت ما و شما از درون دل و خاطر، و خالی از تکلفات ظاهر است؛ پس بهتر آن است که بی تکلفانه یک سخن بگوییم... پسندیده نمی‌دانیم که این ولایات که خاک ایران است، اگر چه خالی از نفع باشد با دوستی و محبت شما از تصرف ما خارج شود... زیاد بر این چه نویسم؟ هر چه سزاوار ما و شماست به اقتضای یکجتهی دو

۱. رک: عهدنامه گلستان درین مجموعه

۲. رک: عهدنامه سیاسی ترکمانچای درین مجموعه.

۳. منظور عهدنامه مفصلی است که قرار بود در روسیه بین میرزا ابوالحسن خان و نماینده تزار در رابطه با حل مسایل اساسی عهدنامه گلستان، از جمله استرداد ولایات از دست رفته ایران، منعقد شود که وی بعد از دو سال معطلی در پترزبورغ عاقبت بی‌نتیجه به ایران بازگشت. درین مورد رک: طاهری ۹/۲ به بعد

۴. جهت مطالعه نامه جوابیه الیس و موریه به دولت ایران رک: طاهری ۵۰۷/۱.

۵. در مورد جریان شفاعت اوزلی رک: طاهری ۴۷۹/۱، ۹/۲.

دولت در استرداد ولایات خواهید کرد. ۶۴ و نیاز به توضیح نیست که تشبث به چنین اعمال و ابراز چنین احساسها هرگز مفید فایده نبوده و سردمداران آن روز دولت ایران از این توشلها طرفی نبستند، چرا که مصالح سیاسی و ترفندهای دولت‌های قوی، روس و انگلیس، به جهت همسویی در غارت ملل دیگر، تلاش سیاستمداران ساده لوح و خامدست ایرانی را خنثی و بی‌نتیجه می‌ساخت. مسأله ادامه وظیفه مشاوران و معلمان انگلیسی مخصوصاً بعد از متارکه جنگ بین ایران و روس، برای انگلستان دردسر داشت. به خاطر همین علت بود که پیش از حرکت اوزلی به سوی تفلیس، وزارت امور خارجه انگلیس به وی دستور داده بود که باید هر چه زودتر موجبات حرکت افسران انگلیسی را به هندوستان فراهم سازد. انجام این دستور به سبب شتاب اوزلی در رفتن به روسیه، و بعد هم به علت بیماری هنری الیس به بوتۀ تعویق افتاد. اکنون که موضوع کمک مالی دوباره مطرح شده بود و میرزا بزرگ از دست هنری ویلاک، شکایت می‌کرد، موریه و الیس نیز گویی در مقام تلافی ناگهانی، بدون مقدمه یا لحنی شدید به دولت ایران اخطار کردند که افسران انگلیسی را از ارتش عباس میرزا فرا می‌خوانند. عباس میرزا از شنیدن این خبر ناراحت شده و در نامه‌ای که به ولیمهد انگلستان نوشته پس از اظهار تأسف از کشته شدن کریستی و رویداد اصلاندوز، تعهد کرده بود که دیگر آن گونه اتفاق‌ها روی ندهد.^۸

۶. طاهری ۵۱۲/۱.

۷. از سرهنری ویلاک، وزیر مختار دولت بریتانیا شکایات متعددی به دولت ایران فرستاده شده بود، جهت مطالعه هفت فقره از این شکایات رک: طاهری ۵۱/۲ به بعد.

۸. در مورد جریان کامل رویداد اصلاندوز و مسأله مشاوران نظامی انگلیس در لشکر عباس میرزا رک: طاهری ۵۰۷/۱ به بعد.

صورت احتجاجی است که با عالی‌جاهان مستر هنری الس و مستر موریه
ایلچیان دولت بیهة انگلیس واقع شده.

فهرست مندرجات

مقدمه

- حجّت اول - در باب پرداخت تنخواه تا برقراری صلح فیما بین دولتین ایران و روس.
- حجّت دویم - در باب استرداد ولایات ایران و اتمام مصالحه.
- حجّت سیم - در باب تضمین پرداخت تنخواه، در باب معلمین نظام.

ما را با آن عالی‌جاهان که ایلچیان دولت بهیئة انگلتره و متکفل مهمات و دوستی دولتین می‌باشند در لزوم تنخواه قراردادی و معلّم، سه حجّت قوی و متین است:

حجّت اول - مبنای این حجّت ما همان عهدنامه مبارکه مجمله و متین است. بیان این سخن را چنین می‌کنیم که مادامی که صلح حقیقتاً واقع نشود باید دولت بهیئة انگلتره از عهده تنخواه قراردادی برآید. این صلح ما با روسیه حقیقتاً مشروط به استرداد ولایات است. ایلچی ما به پایتخت روسیه رفته است، عهدنامه مفصله در میان است، تا ایلچی بازگردد و عهدنامه مفصله بسته گردد حقیقتاً صلح مشخص نشده است و ما مستحق اخذ تنخواه تا هنگامی که این امر مبهم است خواهیم بود و شاهد ما بر این معنی که مصالحه ما با روسیه مشروط به استرداد ولایات است و هنوز به اتمام نرسیده است همان کاغذهای ایلچی بزرگ شماس و حجّتی که او سپرده و صریحاً در آن نوشته است که «تا عهدنامه مفصله نرسد تنخواه را از عهده برآید» دلیلی است واضح بر عدم تحقق مصالحه و اتمام آن.

و این سخن شما که «حجّت تنخواه سپردن ایلچی، بی امضای دولت ما، که ایلچیان جدیدیم، حجّت نیست» اگر فرضاً مسلم باشد، جواب سخن ما نمی‌شود چرا که ما به حجّت ایلچی مطالبه تنخواه از شما نمی‌کنیم، بلکه به حکم فصل چهارم و دویم عهدنامه مجمله و مفصله، تنخواه را مطالبه می‌نماییم و حجّت ایلچی و دیگر کاغذهای او را شاهد عدم تحقق مصالحه و اتمام آن قرارداد می‌دانیم.

حجّت دویم - مبنای این حجّت ما بر سخنان ایلچی بزرگ شماس. ما ایلچی بزرگ انگلتره [= سرگوراوزلی] را موافق اختیارنامه پادشاه ذی‌جاه مختار مطلق و وکیل آن دولت بهیئة در طئی مهمات یکجہتی دولتین عموماً یافته‌ایم و نامه مبارکه پادشاه و کاغذهای وزرای دولت بهیئة، که در دست هست، بر اختیار و عظم‌شان و وکالت مطلقه او دلیلی واضح است و این معنی بر همه ایران و روس و صاحبان شما که در اینجا بوده است آشکار است که ما را در سال گذشته هیچ رأیی به مصالحه با روسیه نبود، بلکه در

جنگ اصرار زیاد داشتیم. ایلچی شما مایل به مصالحه و واسطه صلح و مصرّ ترک جنگ شد و سخن او این بود که «دولت انگلتره خواهان این صلح می‌باشد و این صلح را برای دولت خود و دولت ایران آفاقه می‌داند، شما این صلح را مجملاً قبول کنید و در قید قرار و مدار استرداد ولایات با سردار روسیه در عهدنامه مجمله نباشید و خاطر جمع دارید که مقصود اصلی و شرط کلی مصالحه که استرداد ولایات است به توسط دولت انگلتره به عمل خواهد آمد». کاغذهای او بر این معنی شاهد است و از آنجا که دولت انگلیس در راستی عهد و درستی قول مسلم و مشهور عالم است [!؟] سخن ایلچی بزرگ هم به حکم اختیار نامه پادشاه فلک‌جاه و مراسلات وزرای بزرگ با سخن دولت تفاوتی ندارند ما قبول مصالحه مجمله و مشروط کردیم. خاطر جمعی و اطمینان ما به آن دولت و سخنان ایلچی بزرگ آن دولت بوده و اگر به چنین صلحی بی‌سرانجام اقبال و اقدام نمی‌نمودیم، یحتمل رشته اعتذار و بهانه به دست اولیای آن دولت بپایه می‌آمد، ولی بعد از قبول مصالحه مجمله به حکم همین کاغذها که از ایلچی در دست داریم استرداد ولایات و اتمام مصالحه را از دولت انگلتره می‌خواهیم و تا ولایات استرداد نشود عهدنامه مفصله به طریقی که ایلچی بزرگ آن دولت باما قرار داده است به اتمام نرسد تنخواه را مطالبه می‌نماییم.

حجّت سیم - در این حجّت قطع نظر از تفصیل‌های گذشته می‌کنیم و می‌گوییم: ما از ایلچی بزرگ آن دولت که به حکم اختیارنامه، قائم‌مقام پادشاه فلک‌جاه است حجّتی صریح در دست داریم که تا عهدنامه مفصله نرسد تنخواه را از عهده برآید و انصاف دولت انگلتره را از این بیشتر می‌دانیم که حجّت ایلچی بزرگ را، که در حقیقت حجّت دولت است، انکار نماید. شما که حال ایلچی معتمد آن دولت بپایه‌اید و به حکم اختیارنامه، کفیل مهمّات یکجتهی دولتین می‌باشید به مراتب مرقومه انصاف خواهید داد.

ما را آن عالی‌جنابان، که ایلجیان معتمد دولت بپایه انگلتراند، در باب معلمین انگلیسی سخن این است که: البتّه بر شما ظاهر است که نظام آلات جنگ با نظام دولت علیّه ایران در این سال‌ها به قانون دولت بپایه انگلیس مستظم گشته و همواره معلمین انگلیس متوجّه تعلیم آنها بوده‌اند و اگر در این وقت معلمین انگلیس ترک تعلیم آنها نمایند شیرازه نظام آنها مختل خواهد گشت و این همه خسارت و مرارت که در این

مدت برای این نظام رسیده است ضایع و باطل خواهد بود. دولتمین هم در حکم دولت واحد است و در حقیقت نقصانها به آن دولت می‌رسد و تفاوتی ندارد.

اگر سخن شما در این باب این است که «در اصلاندوز بر خلاف قانون معلّمین انگلیسی اقدام به جنگ سپاه روس کرده‌اند» البتّه گوشزد شما شده است که در آن هنگامه وضعی اتفاق افتاد که غیرت فطری معلّمین انگلیس تاب تحمل نیاورد و بعضی خود به اختیار، نه به حکم کارپردازان این دولت علیه، اقدام به کار جنگ کردند. در روزنامه نواب مستطاب ولیعهد دولت علیه، که به دولت انگلیس مرقوم شده، در این باب شرحی نگاشته شده و إن شاء الله تعالی بین بعد از اینگونه امور روی نخواهد داد و اهتمام و التفاتی زیاد در انتظام این مهم خواهد بود و یقین است که آن عالی جاهان مضایقه را از قرار معلّم نخواهند نمود و به نقصان و خسارت دولتمین علیّین راضی نخواهد شد.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/treaties/>